



۲۵

گلستان هنر

ظهیرالدین اظہر

دکتر گیتی نوروزیان

پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست

ای که در سی کی و نه سال ولایت کرد

آستان حضرت بیون شاه باده

زمان سلطنت با مود تو جانی

است قدرت و کرم پادشاه

تا است دامن عالم جهان

تجربان امور ملک و سلطان

شاهی که صیت مدلت و جهان

عالم نرو بازوی تخت جهان

سلطان سینه و دست و دیش

خوشه را بی بر والی سرخس

بها و رنگ ز سیم جسام

سایه نوح حاد از قلزم حاد

در رفت و حیفیها از تمام

تدیر و روزت تنهار و پادشاه

سلطان علاء و قوت و امان

شاه یک جلالت و عزت پادشاه

در یاد دل سپید و دل بین قار

در روز و دم لرز و باند ام و کاد

کشتی شمشیر و کلاه و بر کلاه

خشنده و قلاب و کتاب و عباد

که در بوختی و قضایت اختیار

و قوت و قوت و قوت و قوت

لنگ و دست و دیش و دیش

در دست و دیش و دیش و دیش

(پیکره) گلستان هنر

ظهیرالدین اظهر
(زنده در ۸۸۰ ه.ق.)
دکتر گیتی نوروزیان

(پیکرو)

دکتر گیتی نوروزیان

دکتر گیتی نوروزیان

دبیر مجموعه: دکتر علی اصغر میرزایی مهر

گرافیک: مہدیہ ابوالحسن

و در استان: خشایار قهرمانی

مترجم بخش انگلیسی: گیتی نوروزیان

جواب نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۵۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

نیشکر کے پتوں اور خرابا

نشر یکم: تهران، خیابان آزادی، ابتدای آذربایجان، پلاک ۱۰۳۴

تلفن: ۶۶۰۳۸۴۱۹ فکس: ۶۶۰۳۸۴۲۶

www.peikarehpub.ir

E-mail: info@peikarehpub.ir

م. شناسه: نوروزیان، گیتی، ۱۳۴۷-

عنوان و نام پدیدآور: ظاهرالدین اظهر (زنده در ۸۸۰ ه. ق.) / گیتی نوپوزبان

مشخصات نشر: تهران: بک، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص: مصور (رنگی)، جدول

فروست : گلستان هنر : ۲۵.

شماره: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۸-۸۱-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

مادداشت : کتابنامه : ص ۸۸

موضوع: نظم الدين اظم، قدر ۹ ق.

موضوع ۶: خوشنویسان ایران، -- قرن ۹ ق. -- برگزیده

15th century -- Biography -- Calligraphers, Iranian : موضوع

موضوع: خوشنویسی -- ابدان -- تاریخ -- قرن ۹ ق.

15th century -- Calligraphy -- Iran -- History : موضوعات

د. ۵۵ نښه، کڼه: ۱۳۹۷ ۹ ۲۵ ظ/ف/۲۵۶۳۹ NK

د. بنوری دیوبند: ۷۴۵/۶۱۹

شماره کتابشناسی: ۵۴۷۷۹۶۹

مجموعه‌ی «گلستان هنر» در راستای شناخت و معرفی گذشته‌ی فرهنگی و هنری کشور بزرگ و هنرپرور ایران، ضمن ایجاد می‌کوشد تا با تکیه بر مستندات و تازه‌ترین پژوهش‌های علمی، اطلاعات پدیدعی را در معرفی و تحلیل آثار هنرمندان گمنام یا کمتر شناخته شده‌ی هنرهای تجسمی به دست دهد.

ارجاعات دقیق، رعایت یکدستی در شیوه‌ی نگارش، پیراستگی متون و بهره‌مندی از تصاویر باکیفیت از اصولی است که هنرپژوهان ملزم به آن خواهند بود.

فهرست

۶	پیش از هر چیز
۹	ظهیرالدین اظهر از نگاه تاریخ نگاران
۱۳	نگاهی به زندگی، تولد و درگذشت
۲۸	شاگردان
۳۳	آثار باقی مانده‌ی ظهیرالدین اظهر
۷۵	جمع‌بندی
۸۶	پی‌نوشت و منابع

پیش از هر چیز

مولانا ظهیرالدین اظهر یکی از خوشنویسان بنام سده‌ی نهم هجری به شمار می‌آید؛ هرچند نبود اطلاعات جامع و مستند راجع به چگونگی زندگی و تعداد آثار اصیل این هنرمند گمانه‌زنی‌های فراوانی را در میان پژوهشگران برانگیخته است. این واقعیت که اظهر در چه مکان و در چه زمانی متولد شده تنها می‌تواند از طریق مطالبی دریافت شود که از لابه‌لای مستندات تاریخی هم‌عصر یا نزدیک به زمان وی استخراج شده‌اند. از سوی دیگر آثار زیادی با رقم یا با درج مکان و زمان کتابت از وی باقی مانده تا بتوان با استناد به آن‌ها تصویر روشنی از این خوشنویس - چه از منظر زندگی شخصی و چه از وجه تخصصی - ترسیم کرد؛ اما با توجه به همان تعداد محدود آثار مستندی که از وی تا به امروز در دسترس است می‌توان روشن ساخت که این هنرمند با تمامی اُفت‌وخیزهای سیاسی و اجتماعی سده‌ی نهم هجری همچنان فعال باقی مانده بود.

نیمه‌ی دوم سده‌ی نهم هجری دوره‌ی تاریخی پُر حادثه و متلاطمی برای ایران بوده است؛ مرگ شاهرخ تیموری (ت ۷۷۹ ق.) در ۸۵۰ ق. و در پی آن درگیری‌های بی‌وقفه‌ی شاهزادگان تیموری بر سر قدرت و همچنین حملات مداوم حاکمان ترکمان قراقویونلو از غرب کشور، همگی مواردی است که تاریخ پرفراز و نشیب این دوره را رقم می‌زند. قدرت‌گرفتن‌های پی‌درپی شاهزادگان تیموری هم‌چون فرزندان بایسنقر میرزا: علاءالدوله (۸۲۰-۸۶۳ ق.)، ابوالقاسم بابر (۸۲۵-۸۶۱ ق.) و سلطان محمد که همگی مدعی تاج و تخت پدر بزرگ خویش بودند به‌علاوه‌ی شخص الغ‌بیگ (۷۹۶-۸۵۳ ق.) که وارث اصلی شاهرخ به شمار می‌آمد، همراه با آشوب‌های برساخته‌ی عموزادگان دیگری هم‌چون سلطان ابوسعید (م ۸۷۳ ق.) - نوه‌ی میرانشاه - همگی رویدادهای قابل‌اعتنایی در تاریخ این دوره به شمار می‌آیند. زمانی که تصویر این دوره‌ی تاریخی را از لابه‌لای نوشته‌های مورخان بازسازی کنیم، درمی‌یابیم که تغییرات به‌وجودآمده آن‌چنان سریع و غیرمنتظره رخ می‌دادند که در هیچ کجای قلمروی تیموری فرصتی کافی برای ایجاد یک دوره‌ی آرام و پربار به وجود نمی‌آمد. مولانا «ظهیرالدین اظهر» هنرمند این زمان است؛ او که با توجه به مستندات باقی‌مانده، خوشنویس کتابخانه‌ی سلطنتی بایسنقر میرزا بوده، احتمالاً در زمان تغییرات گسترده در قلمروی تیموری ثبات کاری خویش را از دست می‌دهد. وقوع این آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی، به‌خصوص در شهر هرات، کتابخانه‌ی بایسنقر میرزا و پدرش شاهرخ، را که با ذوق و سلیقه‌ی

استثنایی ایشان پدید آمده بود، از مرکزیت و محوریت خود خارج می‌کند؛ هرچند در بعضی موارد نیز شاهد هستیم که این کتابخانه - کارگاه‌های بزرگ، گهگاه و به‌صورت جسته‌و‌گریخته، در اوج تلاطمات و آشوب‌های تاریخی به فعالیت خود ادامه داده‌اند و وجود چنین فعالیت خاموشی برای کارگاه سلطنتی هرات نیز دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

در موارد بسیاری نیز هنرمندان بقای خویش را در مکان‌های مختلف و نزد شاهزادگان یا سلاطین مناطق دیگر جست‌وجو کردند؛ چه آن‌هایی که خود به چنین مهاجرت‌هایی تن دادند و چه آنانی که به امر فرمانروای جدید به‌صورت خانه - کوچ به مراکز جدید حکمرانی انتقال یافتند. بالطبع هنرمندانی که کار و زندگی آن‌ها تماماً وابسته به حمایت هنرپروران درباری بوده؛ باید زندگی و هنر خود را در سرزمین‌هایی جست‌وجو کنند که نه تنها سلطان یا پادشاهی هنردوست داشته باشد بلکه آن سلطان قادر به سرمایه‌گذاری مالی و معنوی گسترده‌ای - چه از نظر سیاسی و چه از جنبه‌ی اقتصادی - در زمینه‌ی هنر باشد. به نظر می‌رسد مولانا ظهیرالدین اظهر نیز از این دسته مهاجرت‌ها مستثنی نبوده و زندگی‌اش با چنین پیچ‌و‌تاب‌های تاریخی گره خورده است. آثاری که از وی به‌جای مانده فعالیت او را نه تنها در دربار بایسنقر بلکه در دربارهای علاءالدوله، الغ‌بیگ، ابوالقاسم بابر، سلطان ابوسعید و احتمالاً پیربوداق قراقویونلو نشان می‌دهد.

تلاش نگارنده در این کتاب جمع‌آوری آثار این خوشنویس بوده است و هم‌چنین بازشناسی پیوند تاریخی میان این آثار، تا بتوان چگونگی فعالیت این هنرمند را در گستره‌ی زمانی سده‌ی نهم هجری تا حدودی بازشناخت. بدون تردید این پژوهش کامل نخواهد شد تا زمانی که تمامی آثار ظهیرالدین اظهر که امروزه در موزه‌ها و کتابخانه‌های سرتاسر دنیا ناشناخته و پراکنده‌اند، قابل دسترسی و مطالعه گردد.

در پایان مراتب قدردانی‌ام را از عزیزی ابراز می‌دارم که بدون کمک و یاری ایشان این مختصر شکل نمی‌گرفت؛ آقای محمدحسن «حامدی» مدیریت انتشارات پیکره، دکتر علی‌اصغر میرزایی‌مهر، دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی، استاد منیره بیانی، استاد ابوالعلاء سودآور، دکتر النور سیمز، دکتر لاله اولوچ، پروفیسور دیوید راکسرا، دکتر شیوا میهن و خانم نسرین مرجانی؛ مسئول بخش نسخ خطی کاخ گلستان. همیاری‌شان مستدام باد.

گیتی نوروزیان

تابستان ۱۳۹۷



خدا را که از جان پاک آن پاک را
 ان که در پیشی که از پاک را
 اقباب روح را تابان کند
 در درون قطعه جان کند
 کلمه روح القدس بی شک کند
 ازین که هست عین او را دور کند
 کن را عین پاک آن پاک کند
 نیز از کشت جان او را دور کند
 طاعت را از هر چه پاک کند
 کن را در گردن پاک کند
 میرا ای راست بر او را
 پاک را در عین او را

کو حلاوت داد و شتی خاک را
 هر دو کل بران ذات پاک او
 در کل اوم پاک را
 اقباب روح را تابان کند
 در درون قطعه جان کند
 کلمه روح القدس بی شک کند
 ازین که هست عین او را دور کند
 کن را عین پاک آن پاک کند
 نیز از کشت جان او را دور کند
 طاعت را از هر چه پاک کند
 کن را در گردن پاک کند
 میرا ای راست بر او را
 پاک را در عین او را

ظهیرالدین اظهر از نگاه تاریخ نگاران

پیش از آن که به زندگی مولانا ظهیرالدین اظهر و آثار وی بپردازیم، شایسته است شخصیت هنری وی را در گفته‌های مورخان و هنرشناسان سده‌های بعدتر مورد بررسی قرار دهیم. عبدالرزاق سمرقندی^۱ در مطلع السعدین و مجمع البحرین (حدود ۸۸۰ ق.) می‌نویسد: «... و امروز مولانا ظهیرالدین اظهر و مولانا شهاب‌الدین عبدالله و مولانا جلال‌الدین شیخ‌محمود شاگردان مولانا جعفر لانظیر عصرند و بی‌تکلف این جماعت در علم و عمل خطوط سته ابن‌مقله صیرفی وقت [و] یاقوت زمان‌اند آن ملکه‌ی روحانی را به صدق همت و فرط مداومت به اقصی مدارج امکان رسانیدند و در باقی فنون اقسام قلم‌گذاری و رقم‌نگاری از تصویر و تذهیب و سایر شعب و تفاریع آن به‌غایت قصوی رسانیده از درجه‌ی علیا گذرانیدند...»^۲ (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۵، ۳: ۴۳۱)

شمس‌الدین محمد وصفی در دیباچه‌ی مرقع شاه اسماعیل^۳ (احتمالاً ۹۱۶ ق.) می‌گوید: «... و مولانا جعفر تریزی که خطوط اصل و فرع را بسیار نیک نوشته... در خط نسخ تعلیق استاد مولانا اظهر... است و مولانا سلطانعلی مشهدی... شاگرد مولانا اظهر است» (Thackston, ۲۰۰۱: ۳۳)

سلطانعلی مشهدی در صراط السطور (حدود ۹۲۰ ق.) در قسمت «در بیان واضع خط نسخ تعلیق» می‌نویسد:

کاتبانی که کهنه و نویند خوشه‌چینان خرمن اویند
مولوی جعفر و دگر اظهر خوشنویسانِ اظهر و اظهر
(مایل هروی، ۱۳۷۲: ۷۹)

مجنون رفیقی هروی در آداب الخط^۴ (نیمه‌ی نخست سده‌ی دهم ق.) می‌گوید: «اظهر که به جای صیرفی بود حسنِ جلی‌اش به ازخفی بود هرچند که جعفر اوستاد است اظهر به صفا ازو زیاد است دُرّجی دُرّ پر صفای اظهر به بود ز درج‌های جعفر» (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳: ۱۸۱-۱۸۲).

میرعلی هروی در رساله‌ی مداد الخطوط^۵ (نیمه‌ی نخست سده‌ی دهم ق.) می‌نویسد: «... مولانا ملاّ اظهر هروی - رحمه‌الله علیه - در برابر حکیم جعفر، حکم‌خواجه عبدالله صیرفی دارد نسبت به خواجه یاقوت، اگرچه صاف‌تر از مولانا حکیم جعفر نوشت لیکن در اصول به وی نرسیده.»^۶ (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۹۴)

علی بن حسن خوشمردان معروف به «سیدبابا» در رساله‌ی تعلیم الخطوط (شاید حدود ۹۲۶-۹۰۰ ق.) اشاره می‌کند:

تصویر شماری ۲: مصیبت‌نامه، عطار نیشابوری، «اظهر الکاتب»، ۸۳۳ ق، ۱۲۱ Per، کتابخانه‌ی چستربیتی، دوبلین، (مأخذ: شیوا میهن)

«... و شاگرد سیم مولانا جعفر مذکور در قلم نسخ تعلیق مولانا اظهر هروی است که او در عالم، اظهر من الشمس است و نسخ تعلیق را در مرتبه [ای] به اصول و نازک و صاف و گرد و رعنا و زیبا نوشته که تعریف [آن] به بیان و بنان متصور نیست، و تمام مبتدیان را پسند است.» (شکراللهی، ۱۳۸۱: ۳۲۰)

میرزا محمدحیدر دوغلات در تاریخ رشیدی (حدود ۹۴۸-۹۵۳ ه.ق.) می‌نویسد:
 «مولانا اظهر... همه شاگردان اواند [مولانا جعفر] چه نوع که مولانا جعفر از مخترع بهتر نوشته مولانا اظهر از وی خوبتر نوشته است و مولانا جعفر کند و شکسته نوشته است، اما محکم و به ملاحظت و سخته، اما مولانا اظهر باوجود این لطایف که مذکور شد، درست نوشته است اما ناهمواری دارد.»
 و می‌گوید:

«... همان نسبت که میان میرعلی تبریزی و مولانا جعفرست و در میان مولانا اظهر و مولانا جعفر بود...» (دوغلات، ۱۳۸۳: ۳۱۵)

قاضی میر احمد منشی قمی در گلستان هز تنها به شیوه‌ی اظهر اشاره می‌کند:
 «... او [مولانا جعفر] خوش نوشته. مولانا اظهر و مولانا عبدالرحمن خوارزمی روش دیگر نوشته‌اند.» (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۵۷)

مالک دیلمی در دیباجه‌ی مرفّع امیر حسین بیگ^۷ می‌نویسد:
 «... و نسبت شاگردی ایشان [سلطانعلی مشهدی] بجناب مولانا اظهر هروی است، اگرچه سر خط ازو نگرفته‌اند اما از روی کتابات و قطعاتش مشق نموده‌اند و مولانا اظهر، شاگرد مولانا جعفر تبریزی و او شاگرد امیرعلی تبریزی است.» (Thackston, ۲۰۰۱: ۲۱)

قطب‌الدین محمد قصه‌خوان در دیباجه‌ی مرفّع شاه‌تیماسب^۸ (حدود ۹۶۹ ق.) می‌آورد:
 «... و مولانا جعفر تبریزی که شاگرد عبدالله مذکور است و استاد مولانا اظهر، و اظهر استاد مولانا سلطان علی مشهدی است...» (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۲۸۱)

محمود بن محمد در قوانین‌الخطوط^۹ (بین ۹۶۰-۹۷۰ ق.) می‌نویسد:
 «... بعد از او [مولانا جعفر] مولانا اظهر است و او به منزله‌ی اوستاد عظیم‌المثال علی بن الهلال است.» (همان: ۳۱۲)

خواندمیر در حبیب‌السیر (نیمه‌ی دوم سده‌ی دهم ق.) اشاره می‌کند:
 «مولانا اظهر و مولانا شهاب‌الدین عبدالله آشپز و مولانا شیخ محمود که چون ابن‌مقله، صیرفی وقت و یاقوت زمان خود بودند در شاگردی مولانا جعفر بآن مرتبه تصاعد نمودند.» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۰: ۱۹)

دوست محمد گواشانی هروی در دیباچه‌ی مرقع بهرام‌میرزا صفوی^{۱۱} (نیمه‌ی دوم سده‌ی دهم ق.) می‌نویسد:

«... و مولانا ظهیرالدین اظهر نیز شاگرد مولانا جعفراند. اما به مرتبه‌ای خوش‌نویس بودند که خط ایشان را از خط استاد ایشان، استادانِ این فن بهتر می‌دانند.» (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۲۶۵)

حسن‌بیگ روملو در احسن التواریخ (حدود ۹۸۰ ق.) می‌گوید:

«مولانا اظهر، که در این فن اظهر من الشمس است، با وی [مولانا جعفر خطاط] همچو نسبت سها است با آفتاب عالمتاب و یا نسبت شب یلداست با روز پرغمام و سحاب» و هم‌چنین می‌گوید: «مولانا اظهر از جمله نوادر استادان است.» (روملو، ۱۳۸۴، ۲: ۱۰۷۷-۱۰۷۸)

محمد حسن در دیباچه‌ی یک مرقع صفوی^{۱۲} می‌نویسد:

«... و شاگرد او [مولانا جعفر] مولانا اظهر است.» (Thackston, ۲۰۰۱: ۳۶).

مصطفی عالی افندی در مناقب هنروران (حدود ۹۹۵ ق.) اشاره می‌کند:

«باز از شاگردان ماهر اظهر مولانا جعفر، که کنزِ اظهرِ رموزِ مرکوزِ یراعت بود، مولانا اظهر است که احتمالاً وی نیز تبریزی است. حقا که نهال خامه‌اش شاخسار میوه‌ریز باغ و راغ کتابت است. متانت خطش از استاد فزون‌تر و شیوه‌ی شیمه‌ی کتابش در نزاکت برتر از اکثریت و فراتر از اقلیت است.» (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۵۹)

محمد بن دوست محمد بخاری در فوائد الخطوط^{۱۳} (۹۹۵ ق.) می‌آورد:

کاتبانی که کهنه‌اند و نو [ند] جملگی دان که خوشه‌چین ویند
مولوی جعفر و دگر اظهر خوشنویسانِ اظهرِ اظهر
(مایل هروی، ۱۳۷۲: ۳۷۹)

محمد بختاورخان در مرآة‌العالم در بخش «احوال خطاطان» (۱۰۷۸-۱۰۶۸ ق.) اشاره می‌کند:

«... به‌هرتقدیر نستعلیق را از متقدمان کسی برابر میر [علی تبریزی] مذکور نوشته و از شاگردان او صیتِ خوشنویسی دو کس عرصه‌ی گیتی را فروگرفت. یکی مولانا جعفر که در عصر میرزا شاهرخ بود و دیگری مولانا اظهر که کمالاتش اظهر من الشمس است.»^{۱۴} (علوی، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

واله اصفهانی در خلد برین (حدود ۱۰۷۸ ق.) از جمله‌ی ارباب استعداد در دربار بایسنقر میرزا از تعدادی خوشنویس نام می‌برد که «به حسن خطوط سبعة در شش جهت هفت اقلیم» معروف بوده‌اند. در میان ایشان نام «مولانا ظهیر» نیز دیده می‌شود (واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۵۲۴)

محمدحسین علوی در تذکری حیات خوشنویسان (۱۲۷۷ ق.) می‌نویسد:

«ذکر مولانا اظهر؛ شاگرد سوم خواجه میرعلی رحمه‌الله تعالی

دگر شاگرد او چون شمس رخشان چو مولانای اظهر فیض‌بخشان

خط او در جهان دارد نمایش مگر صد درج در اندر بهایش»^{۱۴}

(علوی، ۱۳۹۲: ۴۸)

میرزا سنگلاخ خراسانی در تذکرة الخطاطین^{۱۵} چنین اشاره می‌کند:

«ملا اظهر هروی... قدوة اعظم خطاطان عالم بود و زبده اکابر خوشنویسان...

در خدمت... حکیم جعفر هروی رحمه‌الله علیه بتحصيل خط و ربط و ... مشغول

بود.» (میرزا سنگلاخ، ۱۳۸۸: ۱۷۵-۱۷۶)

القاب اظهر در نوشته‌های تاریخ‌نگاران	
مجنون رفیقی هروی (آداب الخط) سلطانعلی مشهدی (صراط السطور) محمد بن دوست محمد بخاری (فوائد الخطوط)	اظهر
میرزا محمدحیدر دوغلات (تاریخ رشیدی) خواندمیر (حبیب‌السیر) حسن بیگ روملو (احسن التواریخ) قطب‌الدین محمد قصه‌خوان (مرقع شاه‌تھماسب) محمود بن محمد (قوانین الخطوط) مصطفی عالی افندی (مناقب هنوران) شمس‌الدین محمد وصفی (مرقع شاه‌اسماعیل) محمدحسن (مرقع صفوی) قاضی میراحمد منشی قمی (گلستان هنر) محمد بختاورخان (مرآة العالم، احوال خطاطان) محمدحسین علوی (تذکری حیات خوشنویسان)	مولانا اظهر
عبدالرزاق سمرقندی (مطلع السعیدین و مجمع البحرین) دوست محمد گواشانی هروی (مرقع بهرام‌میرزا صفوی)	مولانا ظهیرالدین اظهر
واله اصفهانی (خلد برین)	مولانا ظهیر
علی بن حسن خوشمردان (تعلیم الخطوط) مالک دیلمی (مرقع امیر حسین بیگ)	مولانا اظهر هروی
میرعلی هروی (مداد الخطوط) میرزا سنگلاخ خراسانی (تذکرة الخطاطین)	مولانا ملا اظهر هروی